

نگاهی به اوزان عروضی عاشقانه‌های (غزلواره‌های) چهار شاعر معاصر

دکتر فرهاد محمدی^۱، دکتر محمد صادقی^۲



تاریخ دریافت: ۹۵/۰۶/۱۰

تاریخ پذیرش: ۹۵/۰۶/۳۱

چکیده

شعر نیمایی در قالب ساختاری یعنی رعایت ارکان عروضی دچار ابهاماتی شد که بعدها شاعران نو پرداز در برطرف کردن آنها توانایی‌های خود را در اشعارشان به طرق مختلفی بروز دادند. عاشقانه‌ها یا همان اشعار نو عاشقانه که در قالب‌های مختلفی سروده می‌شدند مانند دیگر اشعار نو عاری از اوزان عروضی نبودند. البته اوزان عروضی که در اشعار نیمایی به کار می‌رفت غالباً به صورت اوزان کم کاربرد نبود و بیشتر اوزان پرکاربرد و آن هم در تعداد محدود به کار می‌رفتند. این نوشтар نشان خواهد داد عاشقانه‌های^۴ شاعر نیمایی سرا دارای کدام اوزان عروضی و تاثیر این اوزان بر قالب‌های شعری آنها بوده است.

کلید واژه‌ها: اوزان عروضی، نادرپور، شاملو، فروغ فرخزاد، فریدون مشیری، بحر رمل، بحر

مصارع.

پرتوال جامع علوم انسانی

۱- استادیار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد هشتگرد، هشتگرد، ایران.

۲- استادیار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد قائم شهر، قائم شهر، ایران.

معلمہ

عروض فنی است که دربارهٔ وزن شعر بحث می‌کند و قواعدی برای سنجش اوزان شعر بدست می‌دهد.

مقصود از این علم به قول مولف المعجم شناخت اجناس شعر و بازشناسی صحیح و متکسر اوزان است چون شعر گفتن واجب نیست اما شناخت اشعار منظوم و اوزان مقبول برای شرف نفس و دانستن کلام خداوند عزّ شأنه و معانی اخبار رسول لازم است. (شمس قیس رازی، ۱۳۶۰ : ۲۴)

کاشف این فن خلیل بن احمد فراهیدی (۱۷۰-۱۷۵ق) از دانشمندان قرن دوم هجری است که در بصره متولد شد و وفاتش هم در همان شهر اتفاق افتاد. معروف است که ایرانیان برای سنجش وزن شعر فارسی اصول عربی را اقتباس کرده اند و بر حسب نیاز شعر فارسی در آن تغییراتی داده اند زیرا نظم و تناسب هجاهای کوتاه و بلند در شعر عربی به دقت شعر فارسی نیست و کاربرد قواعد عروض در این دو زبان تفاوت‌های بسیار دارد. (خانلری، ۱۳۷۲: ۵۴)

وزن در شعر فارسی از قدیم الایام به عنوان عنصر اصلی سروden اشعار در قول ابراهیم خلخالی مختلف تبیین شده است و کتب بسیاری در علم عروض نگاشته شده است. خواجه نصیرالدین طوسی در کتاب وزین «معیارالاشعار» چنین تعریف می‌کند: «اما وزن هیاتی است تابع نظام ترتیب و حرکات و سکنات و تناسب آن دو در عدد و مقدار که نفس از ادراک آن هیات لذتی مخصوص یابد که آن را موضع ذوق خوانند و موضع آن حرکات و سکنات اگر حرف باشد آن را شعر خوانند.» (خواجه نصیرالدین طوسی، ۱۳۶۲: ۱) نیما در بیست و اند سال آخر عمرش تغییرات بسیاری در بحور عروضی با بلند و کوتاه ساختن مصراعها به وجود آورد و تساوی طولی مصراعها را به هم زد، اما در اغلب موارد خود را به مراعات زحافت رایج هر بحری ملزم ساخت و پایه گذار

سبکی شد که این سبک شاعران معاصر و شاعران پس از او را دلپذیر افتاد و غالب شاعران ۷۰ سال اخیر در مسیری افتادند که او طرح کرده بود. (ماهیار، ۱۳۷۹: ۲۳۷) این گونه شد که بزرگانی همچون شاملو، نادر پور، فروغ فرخزاد و فریدون مشیری نیز ناخواسته در تولد اشعار نو خود ملزم به رعایت اوزان عروضی تا سرحد امکان شدند و این مسئله در مثال‌هایی که ذیل این بحث و قسمت‌های مختلف این نوشتار آمده تا سرحد امکان بیان شده است. با ظهور نیما شعر در مسیر تکامل خود بسیار غنی‌تر می‌شود و به اوج می‌رسد. خانواده کلمات، آن انس و الفت کلیشه‌ای را که پیش ازین داشتند از دست می‌دهند. (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۰: ۷۳) و این از هم گسیختگی در اوزان عروضی اشعار این دوره نیز به کرات دیده می‌شود.

اصل وزن که نیما در نوشهای خود جا به جا از آن سخن می‌گوید چنانچه که باید آموخته‌ی او نبوده است. در مثل در حد آموختگی «اخوان» است که کامل ترین مقاله را (=نوعی وزن در شعر فارسی) در مورد وزن در توضیح کوتاهی و بلندی مصraigها نوشته است. (حقوقی، ۱۳۸۵: ۳۱۷) درست به همین دلیل است که نیما و بعد از او شاگردان مکتب وی در انتخاب و ترکیب وزن‌های شعری انحرافاتی دارند و این مورد کاملاً طبیعی است چون کاربرد اوزان عروضی در شعر ستی به گونه‌ای بوده که با بلند و کوتاه شدن مصraigها در شعر نو، ارکان عروضی در جاهایی به هم می‌ریزد و شاعر نو گرا که اصل را بر محتوای شعر نهاده است در ساختار ناخواسته مرتكب خط می‌شود.

نوآوری نیما و خروج او از سنت شعری که مستلزم حذف یا تغییر کلی ارکان شعری بود، در رکن شکل و قالب که مبنی بر کاربرد خاصی از وزن و قافیه است از ارکان دیگر نمود بیشتری داشت. وزن جدید شعر آزاد که مادر بدعهای نیما خوانده شده علاقمندان به شعر ستی را بسیار آشفته کرد. نیما در وزن جدید، قید تساوی مصraigها

را از میان برداشت و در وزن شعر آزاد، برخلاف شعر سنتی، صورت و قالب شعر را به صورتی از پیش تعیین نشده قرار داد... نیما البته وزن را از ضروریات شعر می‌شمرد و شعر بدون وزن را به کردار انسانی برهنه می‌داند. (۱. عباسی، ۱۳۸۱: ۷۷ و ۷۸)

اصولاً، برای جلوگیری از بی نظمی در شعر، رعایت وزنی مشخص، از ابتدا تا انتهای آن لازم و ضروری است. با این حال کار شاعر در وزن شعر آزاد، به مراتب مشکل‌تر از عروض سنتی است. به این دلیل که در شعر سنتی، شاعر افکار و احساسات خود را در قالب‌های از پیش تعیین شده‌ای می‌ریزد که در آن صورت فقط از نظر تعداد ابیات و نوع کاربرد قافیه متفاوت است. اما در وزن شعر آزاد، قالب‌های شعری، قابل طبقه‌بندی نیست؛ فرایند خلاقیت و احساس و اندیشه‌های شاعر است که قالب شعر را پدید می‌آورد و شاعر در کوتاه و بلندی مصراها و نوع کاربرد قافیه تا اندازه‌ای مختار است.

نیما با ابداع این وزن، امکانات بسیار گسترده‌ای را فرا روی شاعران توانا نهاد.
شاعرانی که دریافت درستی از راز و رمز کار نیما داشتند و از سرودن شعر در قالب کهن
نیز ناتوان نبودند، در این فالب طبع آزمایی نموده، شعرهای ماندگاری را خلق نمودند.
اصولاً شعر معاصر را از حیث وزن و آهنگ آن می‌توان به سه نوع تقسیم نمود:
یکی شعر نیمایی که دارای وزن عروضی است، اما مصراعها در آن مساوی نیستند.
گونه‌ی دوم، شعر سپید است که البته نام سپید برای این شیوه شعر درست نمی
نماید؛ چرا که اصلانتاً از شعر سپید فرانسوی گرفته شده که آن نیز دارای وزن است.
قابل ذکر است که این سبک زمانی که به شعر شاملو رسید در کمال خود به نام سبک
شعر شاملویی شناخته می‌شد.

سبک مذکور با آنکه وزن عروضی ندارد، اما در بطن خود دارای آهنگ است. این آهنگ درونی از چیش کلمات و واژگان در کنار هم حاصل می‌شود. گفته شده که این

شیوه را شاملو از متون نثر قرون ۴ و ۵ هجری به خصوص تاریخ بیهقی الهام گرفته است؛ (پور نامداریان، ۱۳۸۴: ۷۵) و سومین نوع نیز به «موج نو» موسوم است، که نه دارای وزن عروضی و نه آهنگ و موسیقی آشکار است، بلکه دارای آهنگی معنوی و درونی است که از نوع نوشتار غیر نثری آن حاصل می‌شود.

اوزان شعر نوگرای امروز بر اساس اوزان شعر قدیم فارسی است؛ جز این که در شعر نو، تساوی طولی مصراع‌ها شرط نیست و به اقتضای معنی و مفهوم کلام، کوتاه و بلند می‌شود. برای مثال می‌توان گفت: جمله «من قدم می‌زنم» به همین سه کلمه احتیاج دارد، ولی عبارت «من ساعت هشت با ایشان قرار ملاقات دارم» به هشت کلمه نیازمند است. بنابراین لزوم شکستن مصراع‌ها از نظر نیما، به عواملی چند بستگی داشت که مهم‌ترین آنها عامل «کمی» بود. عاملی که از دو نظر باید مورد توجه قرار گیرد:

۱. وقتی که یک مفهوم به کلمات کمتری از قالب یک مصراع احتیاج دارد. در این صورت شاعر مجبور خواهد بود که مصراع را با کلمات زاید و حشو بینارد.

۲. وقتی که یک مفهوم به کلمات بیشتری از قالب یک مصراع نیاز دارد، در این صورت شاعر مجبور است که مفهوم اضافی را در مصراع بعد بیاورد. چنین است که وقتی ما به پاره‌ای از اشعار مهدی اخوان ثالث برمی‌خوریم، به نظام ساختاری اینگونه

شعر بیش از پیش پی می‌بریم: (حقوقی، ۱۳۸۳: ۴۰)

باری حکایتی است، حتی شنیده ام
بارانی آمدست و به راه اوفتاده سیل

هرجا که مرز بوده و خط پاک شسته است (اخوان، ۱۳۸۳: ۱۲۳)

شاعران معاصر به خصوص چها شاعری که در مورد آن‌ها بحث خواهد شد همگی در شعرهای خود از بحور رمل، هرج، مصارع، مجتث و خفيف به عنوان پرکاربردترین وزن‌ها استفاده کرده‌اند. علت این است که در این اوزان نوعی اعتدال و تناسب در

هجهای بلند و کوتاه وجود دارد. در زبان فارسی شماره‌ی هجهای بلند دو برابر هجهای کوتاه است. بنابراین اوزانی که هجهای کوتاه آن بیش از بلند است معمولاً رواج نیافته است. (خانلری، ۱۳۷۲ : ۲۰۹)

بررسی اوزان عروضی عاشقانه‌های فرخزاد، مشیری، نادرپور و شاملو فروغ فرخزاد

با آنکه اشعار فروغ فرخزاد و فریدون مشیری با اوزان عروضی سنتی هماهنگی مناسبی دارد، اما نادرپور در سروden غزلواره هایش، اوزان عروضی را بیش از دو شاعر دیگر رعایت نموده است. (البته اشعار شاملو از این حیث متمایز است).

آغاز غزلواره‌های فروغ با قالب چهارپاره است و این قالب شعری در دو مجموعه اشعار آغازین او یعنی «اسیر» و «عصیان» نمود بیشتری دارد. همچنین غزلواره‌های فروغ در بررسی بیشتر، نشان می‌دهند که از قالب چهارپاره و بَحْر رمل بهره جسته اند. شعر «اندوه پرست» از مجموعه دیوار، نمونه‌ای از این نوع غزلواره‌ها در بَحْر رمل است:

- کاش چون پاییز بودم کاش چون پاییز بودم / - UU - / -- U - / - - U - / --- /

فَاعِلَاتٌ فَاعِلَاتٌ فَاعِلَاتٌ فَاعِلَاتٌ

- کاش چون پاییز خاموش و ملال انگیز بودم

/ - **U****U** - / - - **U** - / - - **U** - / - - - /

فاعلاتن: فاعلاتن: فاعلاتن:

که می‌بینیم این شعر نیمایی هر مصراعش از ۴ بار ذکر رکن «فاعلاتن» حاصل شده است.

البيته در ادامه تعداد اين ارکان کم و زياد مي شود:

- برگهای آرزوها میکاییک زرد می شد

فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن

- آفتاب دیدگانم سرد می‌شد

فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن

حدود ۳۵ غزلواره فروغ، چه چهارپاره و چه نیمایی در این بحر سروده شده‌اند.

شایان ذکر است که بحور عروضی دیگری مانند بحر هزج، خفیف، منسرح، مضارع، متقارب، نیز در غزلواه‌های وی مشاهده می‌شود.

از میان غزلواره‌های فروغ فرخزاد پس از بحر رمل، بحر مضارع مسدس اخرب مکفوف (مفهولُ فاعلاتُ مفاعیلن) با حدود ۲۳ شعر بیشترین تعداد را به خود اختصاص داده است.

اشعار: «بازگشت»، «شب و هوس»، «یادی از گذشته» و «گریز و درد» در این بحر سروده شده‌اند. در اینجا به بحر موجود در شعر «شب و هوس» می‌پردازیم:

- در انتظار خوابم و صد افسوس

/ - - U / U - U - / U - - /

مفهولُ فاعلاتُ مفاعیلن

- خوابم به چشم باز نمی‌آید

/ - - U / U - U - / U - - /

مفهولُ فاعلاتُ مفاعیلن

- اندوه‌هگین و غم زده می‌گوییم

مفهولُ فاعلاتُ مفاعیلن

- شاید زِ روی ناز نمی‌آید (فرخزاد ۱۳۵۰ : ۱۱)

مفهولُ فاعلاتُ مفاعیلن

البته این شعر چون در قالب چهارپاره سروده شده، اندازه مصraigها در آن مساوی

است و ارکان عروضی نیز به طور یکسان تکرار شده‌اند. همچنین، از میان غزلواره‌های فروغ، ۱۰ غزلواره در بحر «هزج» و ۸ غزلواره در بحر «خفیف» سروده شده‌اند. که البته تعدادی غزلواره نیز در بحرهای منسخر، متقارب، مجتث و چند وزن تازه سروده شده‌اند که این اوزان تازه، از میان اوزان عروضی شهرتی ندارند.

مثال از بحر رمل مسدس مخبون :

– آرزویی است مرا در دل

\ - U - - \ - \ - \

فاعلاتن فاعلاتن فَعْ

\ - U - - \ - \ - \

– که روان سوژد و جان کاهد

\ - U - - \ - U - - \ - \

فاعلاتن فاعلاتن فَعْ

شعر «اعتراف» از فروغ فرخ زاد در بحر خفیف سروده شده است.

تا نهان سازم از تو بار دگر
جامعة علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

\ - \ - U - U - - \ - \

فاعلاتن مفاعلان فعلن جامع علوم انسانی

راز این خاطر پریشان را

\ - U - - \U-U - - \ - \

فاعلاتن مفاعلان فعلن

می‌کشم بر نگاه نازآلود

نرم و سنگین حجاب مژگان را (فروغ فرخزاد، ۱۳۵۰: ۱۴۸)

مثال برای بحر هزج:

- به لب هایم مزن قفل خموشی

\ - - U \ - - U \

مفاعیلن مفاعیلن مفاعیل

- که در دل قصّه ای ناگفته دارم

مفاعیلن مفاعیلن مفاعیل

- زپایم باز کن بند گران را

- کزین سودا دلی آشفته دارم (همان : ۵۰)

مفاعیلن مفاعیلن مفاعیل

بحر هزج مسدس مقصور

از میان غزلواره‌های فروغ شعر «آبتنی» و «موج شهر» در بحر متدارک سروده شده‌اند. شعر «پوچ» او نیز بر وزن «فاعلن فاعلن فاع» سروده شده است که وزن کم

کاربرد و بر وزن شعر «افسانه» نیماست : \ - - U \ - - \ - U \ - -

- دیدگان تو در قالب اندود

\ - U - \ - U - \ - U \

فاعلن فاعلن فاعلن فاع

- سرد و خاموش

- U - \ - U \

فاعلن فاع

- خفته بودند

فاعلن فاع

- زودتر از تو ناگفته‌ها (فرخزاد، ۱۳۵۰ : ۱۳۳)

\ - U - \ - U - \ - U \

فاعلن فاعلن فاعلن فاعلن

مثال از بحر متدارک :

بادی از آن دورها وزید و شتابان

\-UU-\ - U-U \ - UU - \ - U

مفععلن فاعلات فاعلن مفععلن

دامنی از گل به روی گیسوی من ریخت (فروغ فرخزاد، ۱۳۵۰ : ۱۴۲)

\-UU-\ - U-U \ - UU - \ - U

مفععلن فاعلات فاعلن مفععلن

فریدون مشیری

از میان غزلواره‌های فریدون مشیری بخش بسیار بزرگی را غزلواره‌هایی تشکیل می‌دهند که در بحر مضارع سروده شده‌اند. چیزی بالغ بر ۶۰ غزلواره فریدون در این بحر سروده شده‌اند که حدود دو سوم غزلواره‌های او را شامل می‌شوند.

«افسانه عشق»، «همزبان»، «گفتگو»، آهنگ عاشقانه، «آئینه شکسته»، «شمع مرد» و تعدادی دیگر از غزلواره‌های او را میتوان نام برد که در بحر مضارع سروده شده‌اند.

مثال:

- روزی نمی‌رود که به یاد گذشته‌ها

\ - U - \ U - - U \ U - U - \ - U

مفعولُ فاعلاتُ مفاعیلُ فاعلنُ

- در ظلمت ملال نگریم به حال خویش

\ - U - \ U - - U \ U - U - \ - U - \

مفعولُ فاعلاتُ مفاعیلُ فاعلنُ

- یک دم نمی‌شود که به یاد جوانی ام

مفعولُ فاعلاتُ مفاعیلُ فاعلینُ

- از فرط رنج سر برده زیر بال خویش (مشیری، ۱۳۸۰: ۳۹)

مفعولُ فاعلاتُ مفاعیلُ فاعلِنُ

مثال دیگر:

- طوفان سهمگین به یغما گشود دست

مفعولُ فاعلاتُ مفاعیلُ فاعلِنُ

می کند و می ربود و می افکند و می شکست

مفعولُ فاعلاتُ مفاعیلُ فاعلِنُ

لختی تگرگ مرگ فرو ریخت زان سپس

مفعولُ فاعلاتُ مفاعیلُ فاعلِنُ

طوفان فرو نشست (مشیری، ۱۳۸۰: ۶۰)

مفعولُ فاعلات

پس از بحر مضارع، بحر هرج را می توان نام برداکه تعداد زیادی از غزلواره های فریدون مشیری - یعنی حدوداً ۳۳ غزلواره - در این بحر سروده شده اند. البته بحر رمل با ۵۰ غزلواره در اشعار فریدون دارای بیشترین تعداد در بحر مضارع است.

مثال (برای بحر هرج):

- دو چشم خسته اش از اشک تر بود

\ U \ - - - U \ - - - U --\

مفاعیلِن مفاعیلِن

- ز روی دفترم چون دیده برداشت

\ U \ - - - U \ - - - U --\

مفاعیلِن مفاعیلِن

- غمی روی نگاهی رنگ می‌باخت

مفاعیلن مفاعیلن

- حدیثی تلخ در آن یک نظر داشت (مشیری، ۱۳۸۰: ۳۴)

مفاعیلن مفاعیلن

باقی مانده غزلواره‌های فریدون در بحور متقارب (۶ غزلواره)، رمل (۵۰ غزلواره)،
خفیف (۹ غزلواره)، مجث (۱۶ غزلواره)، مُنسَرِح (۱۱ غزلواره) و رجز (۱۱ غزلواره)
سروده شده اند.

همانطور که اشاره شد، پس از بحر مضارع، بحر رمل با ۵۰ غزلواره، بیشترین تعداد
غزلواره‌های فریدون را در بر می‌گیرد.

مثال از بحر رمل:

- پیش چشم همه جا بود سیاه

\ - U U \ - - U U \ - - U - \

فعالاتُن فعالاتُن فعالاتُ

- نا امید از همه چیز و همه کس

\ - U U \ - - U U \ - - U - \

فعالاتُن فعالاتُن فعالاتُ

- سیر از خویش و گریزان از خلق

فعالاتُن فعالاتُن فعالاتُ

- کرده پیوند به نومیدی و بس (مشیری، ۱۳۸۰: ۵۹)

فعالاتُن فعالاتُن فعلُن

مثال از بحر مجث:

- بهار باغ خزان دیده را دوباره جوان کرد

\ U U \ - U - U \ - - U U \ - U - U --\

مفاعلن فعالتن مفاعِلن فعالاتن

- چه می کند گل عشق خزان رسیده ما را

\ --U U \ - U - U \ - - U U \ - U - U \

مفاعلن فعالتن مفاعِلن فعالاتن

- بنفسه سر ز گریبان برون کشید و دل من

مفاعلن فعالتن مفاعِلن فعالاتن

هنوز سر به گریبان ماتم است خدا را (مشیری، ۱۳۸۰: ۹۷)

مفاعلن فعالتن مفاعِلن فعالاتن

بحر مجث مثمن مجنوں مخذوف

نادر نادر پور

از میان غزلواره‌های نادر نادرپور، حدود ۵۸ شعر در بحر مضارع سروده شده اند

که این بحرا بیشتر غزلواره‌های او را در بر می‌گیرد.

بحر هزج با ۱۴ غزلواره

بحر رمل با ۸ غزلواره

بحر مجث با ۸ غزلواره

بحرمتقارب با ۷ غزلواره

بحر رجز با ۱ غزلواره «برصلیبی دو گانه»

بحر منسرح با ۱ غزلواره «مسافر»

بحور مذکور، از دیگر بحور عروضی غزلواره‌های نادرپور هستند که اکنون مثالهایی از آنها آورده می‌شود.

«شعر انگور» از مجموعه‌ای به همین نام، از غزلواره‌هایی است که در بحر هرج سروده شده است.

- چه می‌گویید؟

/ - - U /

مفاعیلن

- کجا شهد است این آبی که در هر دانه شیرین انگور است

\ ---U \ - - U \ - - U \ - - U \

مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن

- کجا شهد است؟ این اشک است

\ ---U \ - - U \

مفاعیلن مفاعیلن

- اشک با غبان پیر رنجور است

مفاعیلن مفاعیلن

مثالی دیگر از بحر مصارع:

- امشب، زمین، تمام گناهان خویش را

\ ---U - \ U - - U \ U - U - \ U - \

مفهول فاعلات مفاعیلن فاعلن

بدرود گفته است:

\ --U - \ U - \

مفهول فاعلات

- زهد سپید برف

\ --U - \ U - - \

فعول فاعلات

- کفر زمینیان را در خود نهفته است

\ - U - \ U - - U \ U - U - \ U - - \

فعول فاعلات مفاعیل فاعلات

مثالی دیگر از بحر مجتب:

- گر از دیار خدایان آسمان بودم

\ -- \ - U - U \ - - U U \ - U - U \

مفاعلن فعالتن مفاعلن فعلن

- ز تنگنای شبم لحظه‌ای رهایی بود

\ -- \ - U - U \ - - U U \ - U - U \

مفاعلن فعالتن مفاعلن فعلن

- ملال تلخ سفر می‌نشاندم از می‌عشق

- اگر نگاه ترا با من آشنایی بود

مثالی از بحر متقارب:

- تو وقتی که دور از منستی

\ -- U \ - - U \ - - U \

فعولن فعالن فعالن

- خیال تو از خلوت من

\ -- U \ - - U \ - - U \

فعولن فعالن فعالن

- از این شامگاه زمستانی غربت من (نادرپور، ۱۳۸۲ : ۲۸۱)

\ -- U \ - - U \ - - U \ - - U \ - - U \

فَعُولَنْ فَعُولَنْ فَعُولَنْ فَعُولَنْ

نکته‌ی دیگر آنکه به طور کلی نسبت اشعار نیمایی در میان غزلواره‌های نادرپور، از اشعار مشیری و فروغ فرخزاد بیشتر است. هر چند که این تفاوت در مورد اشعار چهارپاره‌ی فروغ فرخزاد و فریدون مشیری، نسبت به دو شاعر دیگر نیز قابل مشاهده است.

احمد شاملو

در مورد احمد شاملو و غزلواره هایش باید گفت از میان ۵۷ غزلواره بررسی شده‌ی او، ۳ غزلواره در بحر مضارع سروده شده‌اند و جالب اینجاست که بدانیم در میان غزلواره‌های او تنها ۱ غزلواره به نام «حریق قلعه‌ای خاموش» در بحر هزج سروده و بقیه در قالب سپید سروده شده‌اند.

اشعار «بازگشت»، «کلید» و «ماهی»، از دیگر غزلواره‌های احمد شاملوست که در بحر مضارع هستند. شعر شاملو از وحدت ارگانیک و هماهنگی بین محتوا و صورت برخوردار است و ساختمان شعر او چنان تشكیل یافته که درون مایه و نیز قالب و اندام آن و آهنگ سخن و تصویرها و تعبیرها همه باهم هم راستایند. (یوسفی، ۱۳۸۶: ۷۲۸).

لازم به ذکر است که شاملو از بحور مختلف عروضی در اشعار خود کمتر بهره حسته است.

مثال از بحر مضارع:

- باز آمدم ز راه، ییر پیشان و دل شکار

\-- U - \U - - U \U - U - \U - \

مفعولٌ فاعلاتٌ مفاعيلٌ فاعلاتُ

- رنجیده پایی و خسته ترن و زرد روی و سرد

\-- U - \U - - U \U - U - \U - \

مفعول فاعلاتُ مفاعیلُ فاعلات

- در سر هزار فکر غم و راه چاره هیچ

- مایوس پای قلعه ای افتادم اشک بار

مفعول فاعلاتُ مفاعیلُ فاعلات

مثالی دیگر از بحر مضارع:

«- هرگز دگر حبابی از این امواج

\ - \ U - \ U - \ - \

مفعول فاعلاتُ مفاعیلُ

- شب‌های پرستاره رویا رنگ

\ - - U \ U - U - \ - \

مفعول فاعلاتُ مفاعیلُ

- بر ماسه‌های سرد نبینم من

مفعول فاعلاتُ مفاعیلُ

- چون جان تو را به سینه فشارم تنگ (شاملو، ۱۳۸۲: ۳۳۲)

گونه‌ای از شعر شاملو نیز وجود دارد که به زبان عامیانه و یا به قول خودش به زبان کوچه سروده شده است. این اشعار کمتر دارای اوزان عروضی می‌باشند، اما همچون ترانه‌ها، دارای وزن ضربی یا هجایی است. مثل اشعار «پریا»، «قصه دخترای ننه دریا»، «من باهارم تو زمین» و ...

مثال ار بحر رمل :

من باهارم تو زمین

\ - U - \ U U - \

فاعلاتن فعالات

من زمینم تو درخت

\ - U - - \U U - \

من درختم تو باهار

ناز انگشتای بارون تو باغم می‌کنه

\ - U - - \ - U - - \U U - - \ - U \

فاعلاتن فاعلاتن فاعلن

میون جنگلا تاقم می‌کنه (شاملو: ۱۳۸۲، ۴۵۵)

با خواندن اشعار شاملو در می‌یابیم که زمینه اصلی اشعار او را عواطف ناشی از تأثرات اجتماعی تشکیل می‌دهد، کمتر شعری از او می‌خوانیم که اثری از دردهای مردم و فضای مسلط بر جامعه در آن نبینیم. به همین چهت نقض شعرهای او با نقض اجتماع می‌زنند (پورنامداریان، ۱۳۸۱: ۱۰۹) بنابراین شاعری اینگونه سعی می‌کند در ساختار اشعارش به سبب گستردگی افکار کمتر در بند اوزان عروضی گرفتار شود که این خود زمینه‌ی ظهور اشعار سپید در آثار وی شد.

و سخن آخر در مورد بحور عروضی شعر شاملو اینکه گاهی نزدیکی قالبهای سپید و نیمایی در شعر شاملو، خواننده را در تشخیص قالبهای شعری و تعیین اوزان عروضی آنها دچار اشتباه می‌کند؛ این موضوع ناشی از تبّحر شاملو در سرودن اشعار آهنگین است.

مثال:

برویم ای یار، ای یگانه من

دست مرا بگیر

سخن من نه از درد ایشان بود

خود از دردی بود

که ایشانند (شاملو، ۱۳۸۵: ۴۹۰)

نتیجه گیری

علم عروض در اشعار نیمایی نیز همانند اشعار سنتی تأثیر خودرا نشان داده است. با بررسی عاشقانه‌های چهار شاعر مذکور به این نتیجه می‌رسیم که به جز عاشقانه‌های شاملو که بیشتر رو به سوی اشعار سپید دارند در عاشقانه‌های فروغ، مشیری و نادرپور ارکان عروضی نقشی بسزا دارند. که این ارکان کاملاً در خدمت انتقال مفاهیم شعری و تأثیر محتوای واژگان قرار گرفته است. در این بین نادرپور بیش از ۳ شاعر دیگر اوشعاع عروضی را در اشعار خود با نظم بیشتری رعایت کرده است که این نشان از تسلط بیشتر او بر بحور عروضی دارد. فروغ فرخزاد بیشتر اشعار خود را در بحر رمل و مضارع سرود. در شعر فریدون مشیری نیز بیشتر عاشقانه‌ها در این بحر می‌باشد که این خود زبان ساده و بی‌پیرایه‌ی موجود در شعر او را بیش از پیش نشان می‌دهد. نادرپور اما بیشتر عاشقانه‌های خودرا در بحر مضارع سروده است و احمد شاملو نیز تعداد محدودی عاشقانه در بحر مضارع دارد و حدود سه عاشقانه در بحر مضارع و تنها یک عاشقانه در بحر هزج و پس از آن موج شعر سپید است که دریای اشعار اورا در بر می‌گیرد. در پایان باید گفت نادر نادرپور در سرایش عاشقانه‌های نوع خود نسبت به سه شاعر دیگر از تبهر بیشتری برخوردار است و این راه در اوزان عروضی به کار برده در اشعارش می‌توان به راحتی در اشعارش دریافت. کاربرد صحیح اوزان عروضی، انحراف کمتر از اصول ارکان عروضی و هماهنگی وزن و مفهوم شعری عاشقانه‌های نادرپور را در مرتبه‌ی بالاتری از سه شاعر دیگر قرار می‌دهد. البته این مطلب تنها در بررسی اوزان عروضی عاشقانه‌های این ۴ شاعر مصدق دارد اما از لحاظ مفهوم شعری و کلیت شعر این ۴ شاعر موضوع به طریق دیگر خواهد بود که از بحث ما خارج است.

منابع

۱. اخوان ثالث مهدی، ۱۳۷۸؛ مجموعه اشعار، انتشارات سخن، تهران.
۲. پورنامداریان تقی، ۱۳۸۴؛ سفر در مه، نشر نگاه، تهران.- ترابی ضیاء الدین؛ فروغی دیگر، نشر دنیای نو.
۳. حقوقی محمد، ۱۳۸۳؛ ادبیات امروز ایران، نشر قطره، تهران.
۴. شاملو احمد، ۱۳۸۵؛ کلیات اشعار، نشر نگاه، تهران .
۵. شفیعی کدکنی، ۱۳۷۰، محمدرضا، موسیقی شعر، انتشارات نگاه، چاپ سوم، تهران .
۶. شفیعی کدکنی، ۱۳۸۰، محمدرضا، ادوار شعر فارسی، انتشارات سخن، تهران .
۷. فرخزاد فروغ، ۱۳۵۰؛ کلیات اشعار، نشر نور، تهران .
۸. قیس رازی شمس الدین، ۱۳۶۰؛ المعجم فی معايیر الشعاع العجم، دانشگاه تهران .
۹. عباسی حبیب الله، ۱۳۸۱؛ عروض و قافیه، نشر ناز، تهران .
۱۰. ماهیار، عباس، ۱۳۷۹ ، عروض فارسی، انتشارات قطره، چاپ پنجم، تهران .
۱۱. مشیری فریدون، ۱۳۸۰؛ بازتاب نفس صبحمان، کلیات اشعار، جلد ۱، نشر چشم، تهران .
۱۲. مشیری فریدون ، ۱۳۸۰؛ بازتاب نفس صبحمان، کلیات اشعار، جلد ۲، نشر چشم، تهران .
۱۳. ناتل خانلری، پرویز، ۱۳۷۲، وزن شعر فارسی، مرکز نشر دانشگاهی، چاپ دوم، تهران .
۱۴. نادرپور نادر، ۱۳۸۲؛ مجموعه اشعار، نشر نگاه .
۱۵. نصیرالدین طوسی، ۱۳۷۹، معیارالاشعار، انتشارات سهره وردی، اصفهان .
۱۶. یوسفی، غلام حسین، ۱۳۸۶، چشمۀ روشن، انتشارات علمی، چاپ یازدهم، تهران